خبرها

دو «اپرا» از ایران در جشنواره «لاسکالا» اجرا می‌شود

مهر: آریای گرگ از اپرای «مانی و مانا» و آریای شاهپور از اپرای «خسرو و شیرین» با خوانندگی «بهرام تاج‌آبادی» در جشنواره «لاسکالا»ی ایتالیا اجرا می‌شود. بهرام تاج‌آبادی که در فرانسه به تحصیل اشتغال دارد؛ روز ۲۹ اردیبهشت‌ماه دو قسمت از اپراهای «حسین دهلوی» را در جشنواره لاسکالا در شهر میلان ایتالیا اجرا می‌کند. در این جشنواره خواننده‌های اپرای زیادی از سراسر جهان شرکت می‌کنند. «آریا» به قسمت‌های آوازی یک اپرا اطلاق می‌شود که با همراهی ارکستر و تکنواز (سولیست) اجرا می‌شود.

خانه موسیقی در شهرستان‌ها فعال می‌شود

میراث خبر: راه‌اندازی شعبات خانه موسیقی در شهرستان‌ها با بررسی درخواست نوزده شهر برای تاسیس خانه موسیقی آغاز می‌شود. در آخرین جلسه هیئت مدیره خانه موسیقی، با توجه به تقاضای نوزده شهرستان برای تشکیل خانه موسیقی، هیات‌مدیره تصمیم گرفت شعب خانه موسیقی را در این شهرها فعال کند. دکتر محمد سریر در این باره گفت: «درخواست‌هایی که از مدت‌ها پیش به دست ما رسیده است به ترتیب اولویت درخواست بررسی می‌شود. این شعبات فعالیت‌هایی مشابه خانه موسیقی را در شهرستان‌ها ادامه می‌دهند. برگزاری برنامه‌های مختلف موسیقی از قبیل بزرگداشت‌ها، کنسرت، انتشار بولتن و غیره از این برنامه‌ها است.» این خانه‌ها با حمایت شهرداری‌ها و اداره‌های ارشاد شهرستان‌ها یا مراکز فرهنگی دیگر تشکیل می‌شود. سریر در این باره به میراث خبر گفت: «این خانه‌ها به عنوان بازوی اجرایی ما نیز فعالیت خواهند کرد. از جمله اینکه اعضای خود را برای بیمه شدن و سایر اقدامات رفاهی به خانه موسیقی معرفی می‌کنند.» در حال حاضر پنج خانه موسیقی در شهرهای دیگر از جمله اصفهان، نیشابور و شهرکرد فعال شده‌اند. نخستین شهری که درخواست آن برای تشکیل خانه موسیقی بررسی می‌شود، تبریز است. در این جلسه همچنین قرار شد ۲۸ خردادماه مجمع کلی خانه موسیقی با حضور نمایندگان همه کمیته‌های زیرمجموعه تشکیل شود تا شورای عالی موسیقی را انتخاب کنند. این شورا یکی از ارکان مهم خانه موسیقی است که در امور تخصصی و شرایط خاص تصمیم می‌گیرد. مرحوم علی تجویدی نیز یکی از اعضای این شورا بود که امسال در میان هنرمندان حضور ندارد. این شورا هر دو سال یک بار براساس رای نمایندگان کمیته‌های موسیقی تشکیل می‌شود.

کامبیز روشن‌روان رئیس کانون آهنگسازان شد

فارس: در مجمع عمومی کانون آهنگسازان خانه موسیقی که عصر دیروز در سالن رودکی برگزار شد، «کامبیز روشن‌روان» به ریاست این کانون منصوب شد. در این مجمع که عصر دیروز با حضور تمامی اعضای کانون آهنگسازان خانه موسیقی در سالن رودکی برگزار شد، ابتدا «کامبیز روشن‌روان» رئیس هیات مدیره قبلی این کانون به همراه چند نفر از اعضای هیات‌مدیره گزارشی از فعالیت‌های این کانون در دو سال گذشته ارائه دادند و سپس با رای‌گیری «کامبیز روشن‌روان» با ۴۰ رای به عنوان رئیس هیات‌مدیره، «فریدون شهبازیان»، «ناصر چشم‌آذر»، «تقی ضرابی» و «علی بکان» به عنوان اعضای هیات‌مدیره انتخاب شدند. همچنین در این انتخابات «جلیل عندلیبی» و «سیدمحمد میرزمانی» نیز به عنوان اعضای علی‌البدل و «ابراهیم نظری سنگ‌رودی» هم به عنوان بازرس هیات‌مدیره کانون آهنگسازان و رهبران کر و ارکستر برگزیده شد. هیات‌مدیره قبلی متشکل از «کامبیز روشن‌روان» رئیس هیات‌مدیره، «تقی ضرابی»، «محمد میرزمانی»، «علی بکان»، «محمدجلیل عندلیبی» اعضای هیات‌مدیره و «امیر احمد جوادی» بازرس در این کانون فعالیت می‌کردند.

برگزاری جشنواره موسیقی کردی و میراث فرهنگی در سنندج

ایرنا: سومین جشنواره موسیقی کردی و میراث فرهنگی گرامیداشت هفته میراث فرهنگی و گردشگری ۳۱ اردیبهشت در خانه کرد سنندج برگزار می‌شود. این جشنواره با حضور هنرمندان استان‌های کرمانشاه، کردستان، ایلام، خراسان رضوی و آذربایجان غربی در دو بخش موسیقی آوایی یا کلامی و موسیقی شاد برگزار می‌شود. در این جشنواره بیش از ۱۵ گروه موسیقی و ۳۰ تکنواز به مدت سه روز به اجرای موسیقی می‌پردازند. به گفته زارعی هدف از برپایی این جشنواره جلوگیری از فراموش شدن موسیقیدانان و آوازه‌خوان‌های سنتی و فولکلور کرد به عنوان سرچشمه‌های موسیقی اصیل ایرانی است.

گزارشی از کنسرت سهیل نفیسی

آوازهای جنوب مرا ادامه می‌دهند

مرضیه رسولی

خیلی‌ها آن شب با دیدن سهیل نفیسی به یاد فرهاد و جوانی‌هایش افتادند، وقتی در «بلک کتز» آواز می‌خواند. گیرم صدای نفیسی با او فرسنگ‌ها فاصله داشته باشد اما همان گرمی را دارد. بله، گرمایی که شنیدنی است.

پنجشنبه و جمعه، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت در سکوت سرسرای کاخ نیاوران که چراغ‌ها را هم خاموش کرده بودند، روی سن فقط نفیسی بود و گیتارش و صدایش. از سازهای دیگری که در «ری‌را» شنیده بودیم، خبری نبود. «ری‌را» اولین آلبوم سهیل نفیسی است که پارسال منتشر شد. بعد از این همه سال که او گیتار زد و آواز خواند. این کار که منتشر شد خیلی از کسانی هم که میانه‌ای با موسیقی پاپ ندارند و موسیقی سنتی و سبک‌های دیگر را ترجیح می‌دهند به سراغ «ری‌را» رفتند و شاید به دلیل انتخاب شعرها یا نوع متفاوت آوازش که گرم و خودمانی بود از آن لذت بردند. او می‌گوید: «آن سال‌ها شاید وقت این موسیقی نبود و شرایطی که بتوان این جنس موسیقی را به مردم معرفی کرد.»

ساز و آواز سهیل نفیسی آنقدر صمیمی است که آدم بی‌اختیار از صندلی‌های سفت و سخت سالن کنسرت بلند می‌شود و خود را در کافه‌ای دنج می‌یابد، در خانه‌ای که همه اعضای آن موسیقی می‌دانند یا در قبیله‌ای که آیینی به جا آورده می‌شود. نفیسی آوازهایی می‌خواند که در «ری‌را» شنیده بودیم و آوازهایی را می‌خواند که در «ری‌را» نشنیده‌ایم: از «داروک» نیما یوشیج تا «پریا»ی شاملو از «چنگ و سرود» م. آزاد تا «طرح»های ابراهیم منصفی. می‌خواند و گاه گیتارش در همراهی او، کم می‌آورد و جا می‌ماند اما هنرمند از نشان دادن آن ابایی ندارد. در این کنسرت صدای ساز لابه‌لای آواز گم می‌شود که بشود: «یک ساز خلوت، یک صدای بی‌صدا و این حقیر که بنده باشم. موضوع اصلی، آوازها بوده‌اند و گیتار در نهایت هدفی جز یک همراهی ساده و بی‌آلایش، تنها برای ارائه آوازها نداشته است. نه تقصیر از من بود و نه از ساز من.»

اگر در ساز او ملودی و آهنگ‌های متفاوتی شنیده نمی‌شود، اگر یکنواخت است و هر آهنگ انگار ادامه آهنگ قبلی است با همان حال و هوا، همان شور و احساس و همان نگرش، به این دلیل است که آهنگ‌های نفیسی، آوازهایش بوده‌اند اما او نه به دنبال تفاوت بوده و نه به این فکر می‌کند که هر آهنگی با آهنگ دیگر فرقی داشته یا نداشته: «بنده در ۱۰، ۱۲ سال گذشته اتودها و ساخته‌های غیرآوازی بسیاری داشته‌ام که در آنها به اندازه کافی معنای آهنگسازی، کمپوزیسیون و غیریکنواختی را تجربه کنم. نمی‌دانم شما تا چه حد در این خصوص با تاریخ موسیقی و ترانه‌خوانی با همین سبک و سیاق در گذشته آشنا هستید اما برایتان عرض می‌کنم که در موسیقی خنیاگران قرون وسطی یا حتی گوسان‌های ایرانی و لااقل آنچه درباره آنان مکتوب شده و آثاری که به جا مانده، گواه بر تاکید کلام و ارائه معنایی آواز، برای آگاه‌کردن شنونده نسبت به موضوع، از طریق بیان آهنگین کلام است. ریتم و لحنی به قول فرمایش شما یکنواخت، اما به عقیده من سرشار از تمثیل و استعاره و مفاهیمی که قصه‌وار موضوعی را به ما منتقل می‌کند. این نمونه‌ها را قرن‌ها و سال‌ها بعد در نمونه‌هایی مانند آوازهای لئونارد کوهن و به خصوص در نخستین آلبوم او مثال می‌زنم که در آن همین فضای خلوت گیتار و تاکید بر کلام و ترانه کاملاً مشهود است. باب دیلن در بیشتر ترانه‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی خود با تاکید بر همین موضوع، یکه و تنها به اجرا می‌پردازد و گاه مانند تیری از کمان بر دل و جان شنونده‌اش می‌نشیند. پرداختن به اصل موضوع، بدون آرایش‌های سازی یا موسیقایی با هارمونی و تونالیته‌ای ساده برای فضایی به منظور آوازخوانی. در واقع نقطه‌ای که این جنس از موسیقی را با موسیقی معمول پاپ کاملاً متفاوت می‌کند.»

ری‌را حاصل ارادت و شیفتگی من به شعر و در این خصوص شعر معاصر سرزمینم بوده است. شعر و شاعرانی که بسیار دوستشان می‌دارم و تمام بلوغ فکری نوجوانی‌ام را به گونه‌ای مدیون اشعار و تفکر ناب آنان می‌دانم. از طرفی ری‌را حاصل یک دوره تجربه نسبتاً طولانی من در زمینه موسیقی آوازی است که با نیتی خیرخواهانه برای برقراری ارتباط با نسل‌های جوان‌تر که احتمالاً با شعر امروز و بدعت‌گذاران آن بیگانه شده‌اند، شکل گرفته است، تا بلکه آنها به‌عنوان مخاطبین این آوازها با هویت ناب شعر معاصر آشناتر شده و مهمتر از همه ضرورت یک موسیقی یا آثاری متفاوت در این آشفته‌بازار موسیقی متاسفانه به اصطلاح پاپ، که به عقیده بنده غالباً بدون محتواست، و آنچه با نام زیبای ترانه به خورد هموطنان داده می‌شود، در بیشتر اوقات چیزی به جز دوری از باطل نیست. قصد جسارت و بی‌حرمتی به هیچ‌کس و هیچ استعدادی که در این زمینه فعالیت می‌کند(و نه تلاش) ندارم. چرا که قطعاً هر جامعه‌ای نیاز به انواع موسیقی دارد و تردیدی در آن نیست. اما نیک می‌دانم که هنر موسیقی بی‌واسطه‌ترین عنصری است که در تمام وجود آدمی تاثیرگذار و شکل‌دهنده شخصیت، نگاه و تفکر شنونده خود است. من باب مثال: آنچه در قالب موسیقی‌های پاپ مشاهده می‌کنید، با تمام ادا و اصول‌هایشان، مخاطبین خود را بیشتر از آنکه به معنا و مفهوم و مهمتر از آن به تعالی برسانند، تبدیل به مصرف‌کنندگانی کرده‌اند که ترجیحاً با لباس و مد پوشش خواننده و فضای غالباً بدآموز و بی‌ارزش تصاویر مرتبط‌اند. عرض کردم که هر جامعه‌ای نیاز به انواع موسیقی دارد و قطعاً موسیقی شاد و ضربی یا موسیقی صرفاً برای پخش شدن و حتی نشنیدن لازم است. اما تا کی همه موضوعات موسیقی که برای مردم ساخته و تولید می‌شود، می‌بایست بدین ترتیب و بدون ارزش، انبوه‌ترین بخش تولید موسیقی باشد؟!

نقالی‌های سهیل نفیسی در آن دو شب ریشه در شب‌های جنوب دارد که او کنار ابراهیم منصفی می‌نشست و به ساز و آواز او گوش می‌سپرد و حالا منصفی در صدای او است؛ هنگامی که آوازخوان از طرح‌های او می‌خواند: رقصم گرفته بود مثل مترسکی در باد، یا آوازهای جنوبی را که بخش شگفتی‌انگیز کنسرت است. او می‌گوید تاثیری که از منصفی گرفته کاملاً طبیعی است: «سال‌ها زیستن در کنار روح بزرگ او و بهره‌بردن از آن همه استعداد و مهربانی، نه تنها من که نسل در نسل، همه جوان‌های جنوبی را به گونه‌ای میراث‌دار منصفی کرده است.»

نفیسی آوازهای جنوبی را به شیوه‌ای مدرن و متفاوت از موسیقی جنوب که پیش از این شنیده بودیم در پایان کنسرت اجرا می‌کند و به این ترتیب تاثیر ابراهیم منصفی بر آوازهای دیگر او آشکار می‌شود: «این را نمی‌پذیرم که آوازهای بنده را با ترانه‌های او یکی بدانید و هیچ‌گونه تغییری در آن ملاحظه نکرده باشید. تلاش من این بود که تاثیر از او تقلید محض نباشد و تنها تاثیری سالم و سازنده ارائه کرده باشم.»

کنسرت او هم از آن کنسرت‌هایی است که وقتی ترکش می‌کنی شعرهایش را با خود به خانه می‌بری: چنگ اگر قرار بود سرودی بود/ جام اگر بود شرابی بود...

آهنگ‌هایی که نفیسی در کنسرتش اجرا کرد و در «ری‌را» نبود، در مجموعه دیگری منتشر خواهند شد که ادامه برداشت‌های او از شعر معاصر است. مجموعه دوم اما تنوع آهنگین بیشتری خواهد داشت و قطعات متفاوت از هم خواهند بود. آیا آوازهای جنوبی هم تبدیل به مجموعه‌ای دیگر خواهند شد؟ «سال‌ها است که در انتظار زمان و فرصتی مناسب هستم و البته درباره آوازهای جنوبی چندان هم دست روی دست نگذاشته‌ام. انتشار تعدادی از آنها توسط کانون هنر در سوئد، اجرا و ضبط همزمان کنسرت ترانه‌های جنوب در سال ۱۳۸۳ در بندرعباس، اتودها و برداشت‌های اولیه‌ام را برایم روشن کرده است.

از اینجا به بعد می‌ماند دست یافتن به فرصت و شرایطی که بتوانم آنها را بسته‌بندی و آماده ارائه کنم. شرایطی مانند مدتی در جنوب ماندن و همکاری با نوازندگانی که در بعضی از این آثار با من همراهی خواهند داشت. به هر ترتیب با توجه به روزمرگی و امرار معاش که غالباً وقت و اوقات آدم را می‌گیرد، فعلاً می‌توانم امیدوار باشم، همین.»

سهیل نفیسی ۲۳ سال در جنوب زندگی کرده یعنی دو سال بیشتر از نصف عمرش و آوازهای جنوبی می‌گویند که آن سال‌ها برایش شادی‌ها و حسرت‌های بسیار داشته است: «آوازهای جنوب من را ادامه می‌دهند. این ترانه‌ها پاره‌ای از من و گذشته من هستند.»

از این آهنگ‌ها، چیزهای بسیاری بیرون مانده‌اند و راهی برای ورود پیدا نکرده‌اند: «خوداشتغالی. با کمک یار و همسرم دست به کار کاغذسازی به شیوه دستی و سنتی آن زدم. حدود سه سال کاغذسازی را در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به بچه‌ها درس می‌دادم. چند سالی در کارخانه تولید قارچ خوراکی، حالا هم در یک کارگاه نجاری، مشغول به امرار معاش هستم. بله. خلاصه یک ابن مشغله کامل.»

علاوه بر اینها او سال‌ها به تدریس گیتار و تاریخ موسیقی مشغول بوده و بخشی از این سال‌ها به تدریس برای کودکان گذشته است و مدتی هم به روزنامه‌نگاری و مقاله‌نویسی و این سوای شب‌های جنوب و صدای زنگ‌دار ابراهیم منصفی است.

«گفتن از منصفی همیشه برایم تازه است. شاعر بود و ترانه‌سرا. معلم بود و در روستاهای جنوب به کودکان درس می‌داد. بزرگواری بود. دوست‌داشتنی، متواضع، مهربان و تاثیرگذار. قلم توانایی داشت که متعلق به سال‌های درخشان ۱۳۵۰- ۱۳۴۰ و موج نو ادبیات و شعر معاصر بود. از جمله شاعرانی که از شب‌های شعر خوشه، تا گفت‌وگوهای سیروس طاهباز با شاعران جوان آن سال‌ها در نشریه فردوسی، سینمای آزاد و بازیگری در فیلم‌های حسن بنی‌هاشمی (فیلمساز بنام آن سال‌ها) حضور برجسته‌ای داشته و با تمام مهجور بودنش هنرمند شناخته‌شده‌ای بوده است. البته در این میان باارزش‌ترین اثر منصفی ترانه‌های بی‌نظیر او است که خوشبختانه اخیراً توسط نشر ماه‌ریز منتخبی از آنها روانه بازار شده است.

باور کنید در جنوب و به‌ویژه در هرمزگان کمتر خانه‌ای است که نواری از او نداشته باشد یا جوانی نیست که ترانه‌های او را با گیتار زمزمه نکند.»

درباره آلبوم جدید گروه تول

حماسه موسیقی

ترجمه: آزاده فرامرزی‌ها

هفته گذشته آلبوم جدید گروه تول (Tool) با عنوان ۱۰۰۰۰ روز به بازار ارائه شد که تاکنون در حدود ۵۴۶ هزار نسخه فروش داشته است. این فروش بلافاصله آلبوم را به صدر جدول فروش گروه‌های راک برد و یک پله بالاتر از آلبوم جدید پرل جم در رده اول قرار داد. خیلی‌ها از انتشار آلبوم جدید این گروه هنوز بی‌اطلاع هستند. در واقع از اوایل دهه ۹۰ که شبکه MTV شروع به پخش ویدیوهای عجیب و ترساننده این گروه کرد، تول طرفداران اتفاقی خود را از دست داد و توجه هواداران جدی موسیقی راک را به خود جلب کرد.

چنانکه این طرفداران جدی انتظار داشتند، آلبوم پر از تم‌های باشکوه، سنگین و شاید کمی اسرارآمیز موسیقی پراگرسیو راک است. آهنگ اول آلبوم به‌نام Vicarious اکنون در رده دوم جدول راک مدرن قرار دارد اگرچه این آهنگ آهنگی نیست که سر و کارش با ایستگاه‌های پخش موسیقی بیفتد!

آلبوم ۱۰۰۰۰ روز، تقریباً ۱۸۰۰ روز پس از آخرین باری که صدای «مینارد جیمز کینان» را در شاهکار سال ۲۰۰۱ گروه یعنی Lateralus شنیدیم به بازار آمد. پنج سال زمان زیادی است که می‌تواند در خود اتفاقات بسیاری داشته باشد و برای مینارد البته همین‌گونه بوده است: «در زندگی حرفه‌ای او سرگرم تهیه آلبوم‌ها و تورهای گروه Perfect A Circle بوده و در زندگی شخصی درگیر کنار آمدن با مرگ مادرش که ۲۷ سال پیش در یک سانحه کاملاً فلج شده و مینارد با او زندگی می‌کرده است.»

اثرات گذر این زمان پنج ساله را می‌توان به راحتی در حال و هوای غمگینی که بر اکثر آهنگ‌ها وجود دارد یافت، رد پایی از روزهای سخت مینارد، به‌خصوص در آهنگ دو قسمتی Wings for Marie / 10000 Days که ۱۷ دقیقه از ۷۵ دقیقه کل آلبوم را به خود اختصاص داده است.

نشانه‌های همیشگی موسیقی تول مانند تنظیم‌های فوق‌العاده پیچیده، اجرای بسیار دقیق و استفاده از تم‌های حماسی پراگرسیو راک در آلبوم کاملاً قابل مشاهده است. اما این بار به نحوی کنترل شده، مهار شده یا حساب شده از آنها استفاده می‌شود؛ بیشتر درون‌گرا است تا برون‌گرا. حتی خود مینارد هم انگار چیزی را پنهان می‌کند، کاری را در خفا انجام می‌دهد، همه چیز در سایه قرار دارد و شنونده را وادار می‌کند که برای کشف رازها، موسیقی را دنبال کند.

بیشتر آهنگ‌های خوش‌ساخت و سنگین در نیمه اول آلبوم جای داده شده‌اند. آهنگ‌های نیمه دوم اکثراً پیچیده‌اند. این چیدمان باعث حرکت ذهن شده و به موسیقی پیچ و خم می‌دهد. آهنگ پایانی آلبوم Viginti Tres که در واقع ترکیبی از اصوات مختلف است، از یک سو می‌تواند نقطه پایان مناسبی برای یک آلبوم باشد که یادآور اتمام موسیقی است و از سویی دیگر مکثی کوتاه است برای خوشامدگویی به شروع آلبوم: Vicarious. (البته برای کسانی که آلبوم را روی تکرار می‌گذارند!) طراحی جلد سی‌دی کار عجیب و جالبی است شامل عدسی‌های برجسته و دفترچه‌ای با عکس‌ها و نقاشی‌های سه بعدی. ۱۰۰۰۰ روز برای کسانی که دوست دارند در عمق هنر گروه تول و لایه‌های مختلف شعر و موسیقی آن غرق شوند، دستمایه خوبی است و آنها را چندصد روز و تا دیدار بعدی با گروه، سرگرم می‌کند.

منبع: نیویورک تایمز

ریتم

ما نجار نیستیم

نوازندگان سهم بسزایی در ارتقای کیفی ساز دارند. رامین جزایری عضو کانون سازسازان خانه موسیقی با بیان این مطلب گفت: نوازندگان می‌توانند با عمق بخشیدن به تعاملات خود با سازسازان، موجب ارتقای کیفیت ساز شده و از سازندگان ساز حمایت کنند. رامین جزایری با بیان این مطلب گفت: نوازنده‌ها بیش از دیگر فعالان عرصه موسیقی در ارتباط مستقیم با سازنده‌های ساز هستند، بالطبع این عده بهتر از بقیه می‌توانند نقش مهمی در معرفی این قشر داشته باشند، اما متاسفانه اغلب نوازندگان توجهی به این مهم ندارند. وی ادامه داد: ارزش کار سازنده ساز را نوازنده می‌داند. از طرف دیگر مردم جامعه نوازنده‌ها و خوانندگان را می‌شناسند و با آنها ارتباط برقرار می‌کنند پس با توجه به وضعیت فعلی و عدم حمایت رسانه باید نتیجه گرفت که این دو قشر (نوازنده و خواننده) و به‌خصوص نوازنده می‌تواند کمک‌های مثمرثمر و نتیجه‌بخشی به سازنده‌های ساز بکند. جزایری افزود: به طور یقین تا زمانی که شناخت صحیحی از سازندگان ساز در جامعه نباشد این قشر از پاداش و اجر معنوی در جامعه محروم هستند. عضو کانون سازسازان خانه موسیقی تبلیغات در عرصه سازسازی را اندک دانست و اظهار کرد: شناخت هنر «سازسازی» باید از طریق رسانه‌ها صورت بگیرد اما متاسفانه در برهه کنونی تنها رسانه ملی حتی نوازنده‌ها را هم از تلویزیون نشان نمی‌دهد تا مردم حداقل شناختی درباره شکل سازها به دست بیاورند. جزایری در پایان گفت: تغییرات در ساختمان سازها به ضرورت و به مرور زمان به وجود می‌آید البته این تغییرات نامحسوس و برای مخاطب عادی ناآشنا است. یوسف پوریا تارساز پیشکسوت نیز گفت: ساز «یحیی» پس از دویست سال هنوز از نظر فیزیک و ظرایف تکنیکی به عنوان کامل‌ترین ساز تار، الگوی سازسازان است و هنوز کسی نتوانسته «تار»ی فراتر از آن بسازد. یوسف پوریا سازنده پیشکسوت تار با بیان این مطلب گفت: هنر سازسازی در ایران در مقایسه با کشورهای غربی از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است به‌گونه‌ای که ایران با داشتن ۵۰۰ سازنده خوب ساز (که هم اینک عضو کانون سازندگان ساز خانه موسیقی هستند) از دیگر کشورها سفارش ساخت ساز می‌گیرد. پوریا با اشاره به اینکه هنر سازسازی هم می‌تواند به صنعت تبدیل شود خاطرنشان کرد: هنر سازندگی ساز به دلیل تقاضای زیاد جامعه می‌تواند صرفاً صنعتی شده و به تولید انبوه برسد. اما اینگونه سازها طبعاً مناسب هنرجویان مرحله مبتدی و مقدماتی خواهد بود. وی با اشاره به عدم شناخت بسیاری از مردم با ظرایف کاری سازسازان گفت: هنر «سازسازی» با حرفه نجاری تفاوت دارد همانطور که من نمی‌توانم حتی یک چهارپایه بسازم، یک نجار هم نمی‌تواند ساز به معنای واقعی آن بسازد. عضو هیات‌مدیره کانون سازندگان ساز خانه موسیقی ادامه داد: نجاری حرفه‌ای شریف است اما در حال حاضر عده‌ای برای زیر سئوال بردن ارزش کار سازندگان ساز به آنها «نجار» می‌گویند در صورتی که اغلب سازندگان ساز دارای تحصیلات آکادمیک و عالیه هستند. این سازساز مشکل سازندگان را برگرفته از مشکل اصلی موسیقی دانست و تصریح کرد: موسیقی ما درگذشته «مات» بوده و الان «مات‌تر» شده است. برای بهبودی وضعیت موسیقی باید رفتار استاد و شاگرد محبت‌آمیز باشد. کتاب‌های هنرستان‌ها بازنویسی و اصول موسیقی به درستی به هنرجویان تعلیم داده شود. وی در ادامه گفت: همچنین باید تمهیدات خاصی برای تبلیغ سنت‌های فراموش شده و ازجمله هنر موسیقی اندیشیده و به تبع آن جلوی افراد سودجو که در زمینه سازفروشی هم فعالیت دارند گرفته شود البته خانه موسیقی به تنهایی و به دلیل نداشتن قوه اجرایی نمی‌تواند جلوی افراد سودجو را بگیرد. بیاض امیرعطایی با انتقاد از برخی مسئولان صنایع دستی نسبت به حذف نام ساز در نمایشگاه‌های برپاشده گفت: وقتی ما در سازمانی به عنوان کارمند مشغول به کار هستیم و رسماً ساز می‌سازیم چرا باید در نمایشگاه‌ها نام محصول ما را حذف کنند؟ وی در ادامه گفت ما و آثار ما در همه نمایشگاه‌ها وجود دارد اما نامی از ما در میان نیست و در اصل ما حاضران غایب هستیم. محمود فرهمند تارساز برجسته گفت: من ۳۵ سال سابقه تدریس تار دارم و ده‌ها شاگرد تربیت کرده‌ام اما از زمانی که صداوسیما شروع به پخش موسیقی‌های غیر موسیقی سنتی کرد تعداد شاگردان روز به روز کمتر شد و گرایش به سازهای غیرسنتی نیز بیشتر شد. این مسئله در ساخت ساز نیز اثر فوق‌العاده‌ای گذاشت.

منبع: مهر

تازه‌ها

قطعاتی برای عود

راز ساحل شامل قطعاتی بی‌کلام برای عود است که در آن ساز عود (بربط) به شیوه‌ای متفاوت از شکل سنتی آن نواخته شده و ترکیبش با سازهای مختلف که تا پیش از این کمتر آن را همراهی کرده بودند یک اثر تلفیقی به وجود آورده است. این آلبوم متشکل از ساخته‌های مجید ناظم‌پور به تازگی از سوی شرکت آوای سپهر به بازار موسیقی آمده است. راز ساحل از ۱۲ قطعه تشکیل شده که ناظم‌پور در آنها عود می‌نوازد و پژهام اخواص نوازنده تنبک، دهلک و کوزه، بهار نوروزپور نوازنده دف و سهراب رمضان‌زاده نوازنده درامز او را همراهی می‌کنند. علاوه بر ساخته‌های ناظم‌پور تصنیف قدیمی دل‌شیدا از علی‌اکبرخان شیدا، پیش‌درآمد ماهور اثر درویش‌خان و تصنیف قدیمی به اصفهان رو اثر علی‌اکبر شهنازی با عود و کوبه‌ای‌های همراهش نواخته شده‌اند.